

ابراهیم علیه السلام الگوی تربیت موحدانه - رضا مهدیان فر

علمی - ترویجی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هجدهم، شماره ۶۹ «ویژه زن و خانواده»، زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۸۳-۱۹۳

ابراهیم علیه السلام الگوی تربیت موحدانه

رضا مهدیان فر*

چکیده: تربیت به وسیله الگو از مهم‌ترین روش‌های تربیتی است که در آیاتی از قرآن به استفاده از این روش تأکید فراوان شده است. راز این تأکید در کارکرد بالا و اثرگذاری بیشتر این روش نهفته است. ابراهیم علیه السلام از زمره الگوهایی است که در آیاتی از قرآن به الگوگیری از وی تصریح شده است. به کارگیری دعا و استعانت از خدای سبحان در تربیت فرزندان مؤمن و موحد و درخواست از خدای متعال نسبت به سرنوشت نیک فرزندان در سیره تربیتی ابراهیم بسی برجسته است که قرآن از زندگی ایشان روایت می‌کند. چنانکه وسعت افق دید ابراهیم در درخواست‌های خود نسبت به سرنوشت نسل خویش و اجابت این درخواست‌ها و سیر منطقی آن‌ها که نخست پالایش فکری و روحی و سپس سلامت رفتاری و آنگاه رفع نیازهای مادی فرزندان را شامل می‌شود از جمله یافته‌های پژوهش حاضر است که با روش توصیفی - تحلیلی از آیات شریفه به دست آمد. ترویج فرهنگ قرآنی به عنوان هدف بنیادی و کارکرد تربیتی برای مربیان از اهداف کاربردی نتایج پژوهش است. دعا و درخواست از خدای سبحان در تربیت نسلی مؤمن و موحد دارای کارکرد بسیار بالا و قرین توفیق است که اجابت درخواست‌های ابراهیم علیه السلام گواه این ادعا است.

کلیدواژه‌ها: دعا؛ تربیت؛ ابراهیم؛ موحدانه؛ نسل موحد؛ اسوه.

به نظر واضعان نظریه یادگیری اجتماعی، مهم‌ترین نوع یادگیری انسان، یادگیری مشاهده‌ای است (نک: بندورا، ۱۳۷۲؛ هرگنهان، ۱۳۷۴) چرا که یادگیری، اساس رفتار آدمی را تشکیل می‌دهد و یادگیری‌های غیرمستقیم، ضمنی و یا مشاهده‌ای پایدارترین و مؤثرترین یادگیری‌ها محسوب می‌شوند. در این میان، مهم‌ترین نقش بر عهده الگوهای رفتاری است. یادگیری مشاهده‌ای همان تقلید آموزی یا سر مشق‌گیری است که در آن فرد با انتخاب یک الگو یا سرمشق به تقلید از رفتار آن می‌پردازد. در منابع اسلامی به ویژه قرآن، نیز به جهت اطمینان به الگوهای قرآنی و ویژگی‌های برتر آنان بر بهره‌گیری از الگو و پی‌روی از اسوه حسنه تأکید شده است.

خانواده نیز عاملی مؤثر در کمال بخشی، آرامش و بالندگی اعضای خویش است. این حقیقت را می‌توان از آیاتی چون «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه، ۱۳۲)؛ «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ» (مریم، ۵۵) برداشت کرد؛ چنانکه در آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء، ۳۴) سرپرستی خانوار را به عهده مردان گذاشته است و از لوازم این سرپرستی در جامعه انسانی، فراهم آوردن زمینه‌های رشد و تعالی فرزندان است. همه جوامع در تربیت نسلی سالم می‌کوشند و فرزندانی به دور از آسیب‌های اجتماعی و دارای رشد و بالندگی را تمنا دارند. اما از وجوه امتیاز مکتب وحی توجه به مؤلفه‌هایی در تربیت است که در علوم بشری مغفول مانده است. توحید، اساسی‌ترین مؤلفه مورد توجه در این مکتب تربیتی است. بر این اساس نخست باید مربی خود ره یافته به منزل توحید باشد آنگاه مرتبی را به مقصد رهنمون شود. در این پژوهش به توصیف و تحلیل گوشه‌ای از سیره خانوادگی حضرت ابراهیم علیه السلام با تأکید بر نقش دعا در تربیت از نگاه آیات قرآن خواهیم پرداخت. دعا یکی از مهم‌ترین ابزارهای تربیت است که پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام در تربیت

فرزند از آن بهره فراوان برده‌اند. در روش‌های تربیتی رایج به این شیوه از تربیت به رغم کارکرد پربار آن توجه زیادی نشده است. پژوهش حاضر با استناد به آیات قرآن و آرای مفسران، در پی یافتن پاسخی مناسب به این پرسش اساسی است: دعا و درخواست از پرودگار در تربیت نسلی مؤمن و خداپرست چه کارکردی دارد؟ و حضرت ابراهیم علیه السلام چگونه از این روش بهره برده است؟

ابراهیم علیه السلام الگویی نیکو

خدای سبحان در آیات ۴-۶ سوره ممتحنه از ابراهیم علیه السلام به عنوان الگویی نیکو یاد می‌کند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَبِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ * رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ.» (ممتحنه، ۴-۶)

در نخستین آیه از آیات یاد شده، الگو بودن ابراهیم علیه السلام در بیزاری جستش از مشرکان مطرح شده است. ولی با تکرار موضوع اسوه بودن ابراهیم در آیه ۶ بر تأسی به وی و پیروانش در دعا و تضرع، افزون بر بیزاری جستش از مشرکان تأکید دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۹، ص ۲۳۳؛ فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۲۲، ص ۱۵۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۲۶۷)

الگو بودن ابراهیم علیه السلام از آیات دیگری همچون «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَفْتَدِهِ» (انعام/ ۹۰) و آیات دیگر نیز استفاده می‌شود؛ ولی در سوره ممتحنه به گونه‌ای صریح‌تر اسوه نیکو بودن وی را طرح کرده است. در این پژوهش به دنبال درس‌هایی از زندگانی ابراهیم علیه السلام در محیط خانواده هستیم تا حضرتش را راهنمای زندگی خویش قرار دهیم.

تربیت با دعا

دعا عالی ترین رابطه ای است که انسان را به مبدأ هستی پیوند داده و روح بندگی را در وی تقویت می کند. دعا یکی از مهارت های تربیت است که گاهی مورد فراموشی واقع شده و از نقش بی بدیل آن در تربیت غافل می مانیم. سید الساجدین در دعای بیست و پنجم از صحیفه سجادیه که به دعا برای فرزند اختصاص یافته است، این مهم را این گونه از درگاه احدیت خواستار است: «و أَعْتَى عَلَى تَرْبِيهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ»؛ و مرا بر تربیت و تأدیب فرزندانم یاری نما. یاری جستن از مدد غیبی در امر تربیت فرزند، برخاسته از نگاهی توحیدی به رخدادهای عالم است. در این نگاه ویژه، مربی بدون آنکه از مسئولیت خویش شانه خالی کند، با توجه تام به مبدأ هستی پیوند یافته و برای تربیت متربی از پرودگار جهانیان مدد می جوید. تربیت با این شیوه نگاهی از فرادست به موضوع تربیت و نتیجه بخش ترین شیوه تربیتی است.

حضرت ابراهیم علیه السلام بسیار اهل نیایش و تضرع بودند. این حالت وی را قرآن، بدین گونه گزارش می کند: «... إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ». (توبه/ ۹، ۱۱۴؛ نیز: هود/ ۱۱، ۷۵) در معنای «اوّاه» گفته اند: «و الْأَوَّاهُ، كَشَدَادٍ: الْمَوْقِفُ بِالْإِجَابَةِ، أَوِ الدَّعَاءِ، أَيْ كَثِيرُ الدَّعَاءِ» (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۱۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۹۱)؛ اوّاه بر وزن شدّاد به معنای کسی است که یقین به اجابت دارد؛ یا بسیار دعا کننده و اهل نیایش است، چنانکه برخی از مفسران نیز به این معنا اشاره کرده اند. (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۳۰۹؛ ج ۶، ص ۳۶) از جمله کاربردهای دعا در سیره حضرت ابراهیم علیه السلام استفاده از آن در تربیت فرزند است. وی پس از آن که به فرمان الهی همسر و فرزند خردسالش را در سرزمین بی آب و علف مکه اسکان داد، مطالبی را از خدای سبحان برای آنها درخواست کرد: «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ * رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّوا كَثِيرًا

مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِ فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ * رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَ مَا نُعْلِنُ وَ مَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعٌ الدُّعَاءِ * رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ * رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ.﴾ (ابراهيم/۱۴، ۳۵-۴۱)

در ادامه، برپایه این شریفه و آیات دیگری از قرآن به فهرستی از این خواسته‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. دوری از بت‌پرستی

«وَ اجْتَنِبِي وَ بَنِيَّ أَنْ تَعْبُدَ الْأَصْنَامَ». این درخواست به معنای دور نگه داشتن از پرستش بت‌ها به مفهوم اضطراب و سلب اختیار نیست. به گفته علامه طباطبایی، اجتناب از بت‌پرستی صفتی است که بنده بعد از تملیک خدای تعالی مالک آن می‌شود، و مالک بالذات آن تنها خداست. هم‌چنان که هدایت راه یافتگان نیز از خود ایشان نیست، بلکه خداوند به ایشان تملیک نموده. چنانکه آیه ۲۱ سوره نور می‌رساند: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ در کلمات اهل بیت عصمت علیهم‌السلام آمده که فرموده‌اند: "خداوند بنده خود را موفق به عمل خیر و یا ترک عمل زشت می‌کند." (طباطبایی، همان، ج ۱۲، ص ۶۹-۷۰)

۲. برپادارنده نماز

نماز بالاترین عبادتی است که تجلی یاد خدا (طه/۲۰، ۱۴) و آرام‌بخش روح آدمی است. (رعد/۱۳، ۲۸) حضرت ابراهیم علیه‌السلام هدف از اسکان دادن ذریه خویش در سرزمین بی‌آب و علف را برپایی نماز از سوی آنان عنوان کرده: «لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»، نیز توفیق اقامه نماز را برای خود و فرزندان خود خواستار می‌شود. «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ

ذُرِّيَّتِي» (ابراهیم/۱۴، ۴۰) حضرتش پس از درخواست دور ماندن دودمانش از پرستش بت‌ها توفیق برپایی نماز را برای آنها خواهان است. آن‌گاه با درخواست پذیرش دعا از سوی خدا بر این خواسته خویش تأکید می‌ورزد. (طباطبایی، همان، ج ۱۲، ص ۷۸)

«رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم/۱۴، ۴۰)

۳. مایل شدن دل‌های مردم به فرزندان وی در سرزمین مکه

انس با مردم و داشتن روابطی حسنه با آنان، از وجوه امتیاز انسان‌های موفق در صحنه اجتماع حکایت دارد. ولی دل‌ها به دست خداست؛ چنانکه در آیه ۹۶ سوره مریم آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»؛ در شأن نزول این آیه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان فرمودند: یا علی بگو: «خدایا در دل‌های مؤمنین برای من مودت قرار بده»، آن‌گاه این آیه نازل شد. (عروسی حویزی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۶۴) از این آیه و حدیث و امر امام صادق علیه السلام به ذکر «یا مقلب القلوب» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۱۴۹) روشن می‌شود که ایجاد محبت در دل‌های مردم به دست خدای متعال است و باید هماره از او خواست تا محبت ما را در دل مردم قرار دهد.

حضرت ابراهیم علیه السلام از خدای متعال می‌خواهد دل‌های مردم را به فرزندان وی متمایل کند: «فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (ابراهیم/۱۴، ۳۷) بعضی از ذُرِّيَّه «و مِن ذُرِّيَّتِي» به قرینه جمله «رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ» نه تنها اسماعیل، بلکه اسماعیل و فرزندان بعدی اویند (طباطبایی، همان، ج ۱۲، ص ۷۶) این درخواست برای آن بوده تا ذُرِّيَّه‌اش از تنهایی رهایی یافته، با سایر مردم انس بگیرند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۹۰) به لحاظ تاریخی نیز در پی اجابت درخواست ابراهیم علیه السلام مردمان زیادی به سرزمین مکه - محل اقامت اسماعیل و هاجر- سرازیر شده و سبب آبادانی شهر مکه و انجام مناسک حج شدند. و چنانکه هدف ابراهیم علیه السلام بود، شهر مکه به کانون توحید تبدیل

۴. بهره‌مند شدن ذریه او از نعمت‌های الهی

ابراهیم علیه السلام در کنار درخواست‌های متعالی از نیازهای ذریه خویش غافل نمانده تا از رهگذر نعمت‌های الهی شکر صاحب نعمت را به جا آورند. «وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم/۱۴، ۳۷) یعنی هدف ابراهیم علیه السلام از چنین درخواستی به بُعد مادی آن محدود نیست.

۵. تداوم منصب امامت در میان ذریه خود

پس از آنکه حضرت ابراهیم از طرف خداوند به منصب امامت دست یافت، تداوم منصب امامت را برای نسل خویش، از خداوند خواست. «... قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي» (بقره/۲، ۱۲۴) این درخواست، درباره آن دسته از ذریه ابراهیم که خود را به ظلم (معصیت) آلوده نسازند، اجابت شد: «قَالَ لَا يَنْأَلُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/۲، ۱۲۴) و منصب امامت در میان آنان جاوید ماند. آیه «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» (زخرف/۴۳، ۲۸) بنابر تفسیر امام صادق به همین امر [تداوم امامت] اشاره دارد. (بحار الانوار، ج ۲۴ ص ۱۷۶). بنابراین درخواست ابراهیم علیه السلام برای آن دسته از فرزندان که خود را به ظلم آلوده نساختند، به اجابت رسید. چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «انا دعوة ابي ابراهيم»، من دعای مستجاب پدرم ابراهیم علیه السلام هستم. (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۶۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۳۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۳۶)؛ نیز به اتفاق مفسران، مقصود از رسول در دعای دیگر حضرت ابراهیم، در آیه ۱۲۹ سوره بقره «رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ...» پیامبر اسلام است. (طوسی، همان، ج ۱، ص ۴۶۶) امامت به مفهوم پیشوایی پرهیزگاران منصبی آسمانی است که با فرمانروایی و پادشاهی تفاوتی ماهیتی دارد. از این رو درخواست ابراهیم علیه السلام به معنای درخواست مقام دنیایی نیست تا شبهه دنیاطلبی و ریاست خواهی طرح شود.

۶. دست‌یابی به مقام تسلیم برای خود و ذریه‌اش

تسلیم شدن در برابر فرمان‌های الهی از زمره مقامات معنوی است که جز در سایه عنایت الهی دست‌یازیدن به آن ناممکن است. آیات مشیئت (نک: نساء/۴، ۷۰، ۴۹؛ بقره/۲، ۲۶۹؛ نور/۲۴، ۴۶ و...) گواهی بر این ادعاست. همچنین دعای حضرت ابراهیم: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ دُرِّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ» (بقره/۲، ۱۲۸) برای این بوده که الطاف الهی آن‌ها را در برگیرد و در باقی‌مانده عمر بر اسلام باقی باشند (طوسی، همان، ج ۱، ص ۴۶۳)؛ ولی به نظری دیگر، دست‌یابی به بالاترین مراحل تسلیم و عبودیت یعنی تسلیم ظاهری به زبان، سپس پذیرش قلبی و عملی و آن‌گاه انقیاد کامل همه قوای وجودی انسان در برابر خداوند است که دست‌یابی به این مرحله ایمان، از اختیار انسان، خارج و فقط امری اعطایی و موهبتی است. اسلام در خواستی ابراهیم علیه السلام برای خود و برخی از فرزندان، این مرحله از اسلام است. (طباطبایی، همان، ج ۱، ص ۲۸۴-۳۰۳) در روایتی از امام صادق علیه السلام با استناد به این‌بخش از درخواست ابراهیم به ضمیمه جمله «... وَاجْتَنِبْنِي وَتَبَيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» (ابراهیم/۱۴، ۳۵) بیان شده که مقصود از «امّت مسلمة» امامان معصوم هستند. (عروسی حویزی، همان، ج ۱، ص ۱۲۹)

۷. درخواست فرزندان صالح

برخورداری از فرزند، نعمت، تفضل و رحمت الهی است و فرزند صالح، نعمت و فضلی فزون‌تر. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲-۱۱) چنانکه در آیه ۴۹ سوره شوری به این مطلب تصریح شده است. ابراهیم علیه السلام از خداوند نه تنها فرزند، بلکه فرزند صالح را خواستار است: «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ». (صافات/۳۷، ۱۰۰) به روایت آیه بعدی، خدای سبحان این درخواست ابراهیم علیه السلام را بی‌پاسخ نگذاشته و او را به فرزندى بردبار بشارت داد «فَبَشِّرْنَاهُ بِعِلَامٍ خَلِيمٍ». (صافات/۳۷، ص ۱۰۱) سخن ابراهیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ» (ابراهیم/۱۴ / ۳۹) نشان می‌دهد که

هر دو فرزند او، موهبت الهی در سنین یأس از فرزنددار شدن است، یعنی هر دو، حاصل برآورده شدن خواسته ابراهیم‌ند. در آیات ۷۱ هود/ ۱۱؛ ۵۳ حجر/ ۱۵؛ ۳۱ عنکبوت/ ۲۹؛ ۱۰۱ و ۱۱۲ صافات/ ۳۷ و ۳۴ ذاریات/ ۵۱ بشارت فرزند به ابراهیم از سوی خداوند بیان، و در آیه ۷۱ هود/ ۱۱ و ۱۱۲ صافات/ ۳۷ به نام اسحاق در این زمینه تصریح شده است.

اجابت درخواست‌های ابراهیم علیه السلام

خواسته‌هایی که خداوند متعال در قرآن از زبان ابراهیم علیه السلام باز گفته، بی‌پاسخ نمانده و همگی از سوی پروردگار برآورده شده است. افزون بر این آیاتی نیز به اشاره یا تصریح بیان‌گر برآورده شدن خواسته‌های ابراهیم علیه السلام است. (نک: مریم/ ۱۹، ۴۷؛ صافات، ۳۷، ۱۰۱ و) این همه از نقش بی‌بدیل دعا در منظومه تربیت حکایت دارد؛ که نباید از آن در تربیت فرزندان غفلت کرد.

منظومه تربیتی ابراهیم علیه السلام

تبیین سیره تربیتی ابراهیم علیه السلام منظومه تربیتی ویژه‌ای را در دنیای دانش تربیت طرح می‌نماید که به دلیل ریشه‌های آسمانی‌اش مطمئن‌ترین و نتیجه‌بخش‌ترین منظومه تربیتی است. در این مکتب تربیتی، افزون بر نیازهای معنوی نیازهای مادی فرزند نیز از چشم مربی پنهان نمی‌ماند. بنابر این در واقع ابراهیم علیه السلام یک مکتب تربیتی را در قالب دعا و عبارات به ظاهر کوتاه پی‌ریزی نموده است. بسی شایسته است تا پژوهشگران ژرف‌اندیش با تدبیر در سیره تربیتی ابراهیم علیه السلام حدود و ثغور این مکتب تربیتی را کشف نموده و به جامعه علمی عرضه نمایند.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیت، «روش الگویی» است که در آموزه‌های وحی بر استفاده از این روش، تأکید فراوان شده است. تربیت با دعا از مواردی است که

قرآن از سبک زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام روایت می‌کند. توجه ویژه آن گرامی به سرنوشت فرزندانش و افق دید وی در گستره‌ای به پهنای هستی هر انسان اندیشمندی را به تفکر در شیوه تربیت فرزند وا می‌دارد. نیز پالایش فکر و روح فرزند از شرک و بت‌پرستی و سپس درخواست رابطه سالم با پرودگار در قالب رفتارهای عبادی مانند نماز و نیز غافل نماندن از توجه به انواع نیازهای آنها، از دیگر مواردی بود که از زندگی آن گرامی علیه السلام گزارش شد. راز بی‌پاسخ نماندن درخواست‌های وی را افزون بر پیامبریش، باید در اجابت دعای پدر در حق فرزند جست. (مجلسی، همان، ج ۱۴، ص ۱۸۹) درخواست از پرودگار در تربیت فرزندانِ موحد، نشان از توجه مربی به مهارت‌های تربیت دارد، و اجابت درخواست‌های ابراهیم علیه السلام کارکرد موفقیت‌آمیز این روش را بازگو می‌نماید.

شایسته است پژوهشگران توانا در بازخوانیِ زوایای دقیق این روش و واکاوی کارکرد آن در تربیت، به تحقیق بپردازند تا مریان، بیش از پیش با این شیوه تربیتی در پرورش نسلی مؤمن و یکتاپرست آشنا شوند.

منابع

قرآن کریم

صحیفه سجادیه

۱. آلوسی، محمود، *روح المعانی*، به کوشش عبدالباری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر (م. ۶۸۵ق.)، *تفسیر بیضاوی (انوار التنزیل)*، به کوشش مرعشی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۳. راغب، حسین بن محمد (م. ۴۲۵ق.)، *مفردات*، به کوشش صفوان داودی، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۴. زبیدی، سید محمد مرتضی (م. ۲۰۵ق.)، *تاج العروس*، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.

۵. عروسی الحویزی، عبد علی (م. ۱۱۱۲ق.)، *نور الثقلین*، به کوشش رسولی محلاتی، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ش.
۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (م. ۸۱۷ق.)، *القاموس المحيط*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۷. مسعودی، علی بن حسین (م. ۳۴۶ق.)، *اثبات الوصیه*، قم، انصاریان، ۱۴۱۷ق.
۸. بحرانی، سید هاشم (م. ۱۱۰۷ق.)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، البعثه، ۱۴۱۵ق.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق.
۱۰. بندورا، آلبرت، *نظریه یادگیری اجتماعی*، ترجمه: فرهاد ماهر، تهران، انتشارات راهگشا، چ اول، بهار ۱۳۷۲.
۱۱. زمخشری، محمود (م. ۵۳۸ق.)، *الکشاف*، قم، بلاغت، ۱۴۱۵ق.
۱۲. فضل الله، سید محمد حسین، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ق.
۱۳. شعراوی، محمد متولی، *قصص الانبیاء*، قاهره، مکتبه التراث الاسلامی، بی تا.
۱۴. شوکانی، محمد بن علی (م. ۱۲۵۰ق.)، *فتح القدر*، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.
۱۵. صدوق، محمد (م. ۳۸۱ق.)، *من لا یحضره الفقیه*، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان*، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۸. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۱۹. طوسی، محمد، *التبیان*، کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۰. فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۳. مدرسی، سید محمد تقی، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین ۷، ۱۴۱۹ق.
۲۴. ممدوحی کرمانشاهی، حسن، *نیایش از دیدگاه عقل و نقل*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
۲۵. هرگنجان، بی آر و همکاران، *مقدمه‌ای بر نظریه یادگیری*، ترجمه علی اکبر سیف، تهران: نشر دانا، ۱۳۷۴ش.